

فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۸، پاییز ۱۳۹۸

شاپا چاپی: ۲۲۲۸-۵۲۲۹ - شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

<http://jupm.miau.ac.ir>

مقاله مروری

مقاله «مرکز» و «حاشیه»، تبیین انگاره مفهومی از مواجهه «خود» و «دیگری» در حیات شهر با تأکید بر رویکرد توسعه درون‌زا^۱

سیده صدیقه میرگذار لنگرودی: پژوهشگر دکتری معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ویدا نوروز برازجانی^۲: استادیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهروز منصوری: استادیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد ضیمران: استادیار آموزش فلسفه هنر، دانشگاه ماساچوست، آمریکا، دانشیار مدعو گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی،

واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۷

صص ۱۴۴-۱۳۳

دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۰

چکیده

یکی از مفاهیم عمده در نگاه مدرن و پست‌مدرن به پدیده‌ها، دوگانه «خود» و «دیگری» است. در علوم اجتماعی، هنگامی که صحبت از دیگری می‌شود، بحث این است که اقلیت و اکثریت جامعه چگونه شکل می‌گیرد؛ بنابراین در اندیشه جامعه‌شناختی، اقلیت‌ها معمولاً دیگری را تشکیل می‌دهند. چراکه «اکثریت» در چارچوب جامعه، واجد قدرت می‌شوند و همین قدرت، زمینه‌ساز معنای «دیگری» در چارچوب «بازنمایی» خواهد شد. در شهرهای ایران، حاشیه‌نشینی و یا به تعبیری دیگر کانون‌های خودانگیخته بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی شهری را شکل می‌دهند. پرسشی که مطرح می‌شود آن است که چگونه حاشیه به‌عنوان «دیگری» می‌تواند توسعه یافته، در خود ریشه کند و در جامعه تبدیل به نیروی «مولد» شود؟ بدین منظور مقاله حاضر، بر آن است تا با بررسی نحوه مواجهه و تعامل «خود» و «دیگری»، زمینه‌ای مناسب را برای طرح دکترین معتقدین به توسعه درون‌زا فراهم آورد. این تحقیق به لحاظ «ماهیت» پژوهش، از گونه تحقیقات «کیفی» از نوع «بنیادی» و به لحاظ «قصد» از پژوهش، «تحلیلی» است که به درک شیوه مواجهه خود و دیگری در حیات شهر می‌پردازد. منطق پژوهش، «قیاسی» است. در پایان، این مطالعه نشان می‌دهد که اصلاح در نحوه توزیع خدمات به حاشیه جهت مولد نمودن دو حوزه صنعت و کشاورزی و متعاقب آن کوچک نمودن بخش مصرف، تقویت نهادهای محلی در فرایند توانمندسازی حاشیه، بازنگری قلمروی مالکیت، تقویت بنیان‌های اقتصاد درونی با مشارکت مردم و عدم تزریق امکانات از بیرون، از جمله عواملی هستند که می‌تواند در مولد نمودن حاشیه، تأثیرگذار باشند.

واژگان کلیدی: حاشیه، خود، دیگری، شهر، مرکز.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری معماری سیده صدیقه میرگذار لنگرودی به راهنمایی دکتر ویدا نوروز برازجانی و مشاوره دکتر بهروز منصوری و دکتر محمد ضیمران تدوین شده است که در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی در حال انجام است.

^۲ نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۷۵۲۲۶۸، Vid.Norouz_Borazjani@iauctb.ac.ir

مقدمه:

یکی از پدیده‌های اساسی اجتماعی و فرهنگی در قرن بیستم، گسترش پدیده شهرنشینی در پی انقلاب صنعتی بوده است که در جهان سوم به صورت شتابان بروز کرده است، به گونه‌ای که سرعت شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه بیش از کشورهای توسعه‌یافته است (هال و فایفر، ۱۳۸۸: ۱۳). تضاد بین جوامع در حال مدرن شدن و فرهنگ‌های سنتی، میان اقتصادهای فردگرا و جامعه‌گرا، بین مردم‌سالاری و اقتدارگرایی؛ بین جمعیت بومی و استعمارگرایی، بین جریان‌های ملی‌گرا و واگرا، بین فقر و ثروت و دلایلی از این دست، چالش مخاطره‌آمیز متن و حاشیه یا حاشیه‌نشینی را به دنبال داشته است (Bollens, 2001:170). درون‌زا نبودن رشد در کشورهای درحال توسعه و عدم انطباق آن با فرهنگ بومی، منجر به ایجاد مشکلات فراوانی شده است. در این میان حاشیه‌نشینی ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و با توجه به نمود ظاهری آن توجه بیشتری را می‌طلبد (صرافی، ۱۳۸۱: ۵). در ایران نیز شکل‌گیری حاشیه‌نشینی با وجود ویژگی‌های منحصر به فرد خود، ریشه در توسعه برون‌زا و رشد بسیار سریع شهرنشینی دارد که آغاز آن به طور تقریبی با سال‌های آغازین ۱۳۰۰ م (مقارن است) (حسامیان و همکاران، ۱۳۷۷: ۳۷). حاشیه‌نشینی در واقع حاصل و برون‌داد مشکلات اجتماعی و ساختاری است که عمدتاً بر اثر جریان سریع مهاجرت از شهرها به روستاها اتفاق می‌افتد (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در این میان آنچه که مورد توجه است بررسی خود حاشیه‌نشینان به عنوان مسئله‌ای است که علیرغم حل مسائل جغرافیایی و معماری خاص منطقه به قوت خود باقی مانده و به راحتی در جامعه مقصد و متن شهر پذیرفته نمی‌شود. حاشیه‌نشینی را - در مقابل متن‌نشینی به عنوان چالشی که در آستانه بحرانی شدن قرار دارد - می‌بایست از این منظر نگریست. مردم حاشیه‌نشین عمدتاً مردمی هستند ناامید و درمانده و بی‌اعتنا و در عین حال آماده انفجار! فقر تنها ویژگی این مردم نیست، بلکه ناکامی آن‌ها برای رسیدن به متن زندگی سبب غلبه نگاه‌های ناامیدکننده و عبث در میان عمده جمعیت حاشیه‌نشین شده است. در نتیجه استمرار این شرایط در دهه‌های متمادی زندگی حاشیه‌نشینان، نوعی هویت خاص در این مناطق شکل گرفته است که با هویت متداول حاکم بر مردم شهر و یا به اصطلاح همان متن‌نشینان متفاوت است. در هر حال متن و حاشیه دارای تاریخ متنوعی از انواع برهم‌کنش‌ها و رابطه‌ها هستند. گاهی حاشیه تهدیدی مهم برای متن دریافت می‌شده و گاهی به کلی در متن نادیده گرفته می‌شده است. گاهی حاشیه یا حداقل برداشت‌ها و بخش‌هایی از حاشیه با متن به وحدت رسیده و گاهی تضاد تا سر حد عدم امکان تداوم هر دو پیش رفته است. به عنوان مثال حاشیه‌ها برای جریان معماری متن در دوران مدرن، دارای اهمیت بود و همواره دغدغه آن را داشتند، اما معماری و شهرسازی جریان اصلی وابسته به متن شهر در وضعیت پست‌مدرن، سرگرم نوسازی و نوسازی بافت‌های بالاشهری شده و حاشیه‌ها را به فراموشی سپرده است. در این راستا مهم‌ترین گام در جهت حل معضل حاشیه و متن این است که میان متن و حاشیه تعامل برقرار شود. لذا به نظر می‌رسد در تبیین نسبت متن و حاشیه در شهر معاصر و توضیح پدیده شکل‌گیری گروه‌های حاشیه و نحوه تعامل و کنش متن و حاشیه، مدل نظری «خود - دیگری» که در علوم انسانی قرن حاضر جایگاه مهمی دارد، دارای قابلیت‌های توصیفی و ارشادی درخوری است.

از آنجایی که فقط هر فرد به تنهایی می‌تواند خود را توسعه دهد، نمی‌توان انتظار داشت فردی، فرد دیگر و یا جامعه‌ای جامعه دیگر را توسعه دهد. در توسعه یک نفر تنها می‌تواند دیگری را تشویق و تجهیز کند؛ بنابراین حکومت‌ها قادر به توسعه رعایای خود نیستند، بلکه تنها می‌توانند آن‌ها را برای این کار تشویق و تجهیز کنند. لذا توسعه درون‌زا راهکاری برای توسعه دیگری است. توسعه درون‌زا یا مردم محور متکی بر حاکمیت و قدرت بر انتظام ساختاری افقی و مسئولیت‌زا تأکید دارد. در این نوع توسعه ضمن احترام گذراندن به نظرات و آراء مردم کلیه فعالیت‌ها چه به صورت کلان و چه به صورت خرد با مشارکت و اشتیاق درونی تعقیب می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۲). پرسشی که مطرح می‌شود آن است که «چگونه حاشیه به عنوان «دیگری» می‌تواند توسعه یافته، در خود ریشه کند و در جامعه تبدیل به نیروی «مولد» شود؟». به همین جهت در این مقاله سعی شده تا با در خدمت گرفتن این مدل نظری صحنه کنش - برهم‌کنش حاشیه و متن در شهرهای معاصر روشن‌تر شود و به کمک این مدل نظری بر اهمیت فرایند توسعه درون‌زا به عنوان مناسب‌ترین نوع نگرش به نسبت خود و دیگری در زمینه متن و حاشیه شهر تأکید شود.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق:

پیشینه پژوهش را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد: ۱. پژوهش‌های متعددی که در سال‌های اخیر به اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی شهر پرداخته‌اند: (جدول ۱)

جدول ۱- بررسی پیشینه پژوهش پیرامون اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی شهر در سال‌های اخیر

صاحب‌نظر	اثر	تأکید
صنعتی شرقی و همکاران (۱۳۹۶)	تحلیل ساختاری رابطه میان حاشیه‌نشینی و جرم	نویسندگان در ابتدا با استفاده از روش تحلیل ساختاری به مقایسه دو منطقه حاشیه‌نشین گلشهر و خواجه ربیع در مشهد پرداخت و سپس با استفاده از روش کیفی و راهبرد مطالعه موردی جمعی به بررسی ژرفانگر علل کمتر بودن میزان جرائم در منطقه گلشهر اقدام نمود. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که ترکیب استراتژی‌های کنترل درونی، انتخاب عقلانی و کنترل بیرونی می‌تواند بیشترین تأثیر را در کاهش جرم داشته باشد.
رضایی و همکاران (۱۳۹۵)	ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشینی در کلانشهرها (مطالعه موردی: محلات حاشیه‌نشین شهر شیراز)	نویسندگان ضمن بیان ضرورت بررسی حاشیه‌نشینی به بررسی و تحلیل اثرات اجتماعی آن در شهر شیراز می‌پردازند.
بهرام بیات (۱۳۹۴)	تحلیل آسیب‌ها و جرایم مناطق حاشیه‌نشینی شهر تهران	نویسنده به بررسی آسیب‌ها و جرایم مناطق حاشیه‌ای در شهر تهران پرداخته است. برای تبیین نظری موضوع با عطف توجه به نظریه فشارهای ساختاری؛ سه رویکرد فرصت‌های ساختاری، یادگیری اجتماعی و بوم‌شناسی اجتماعی که تبیین‌گری مناسبی از مسئله ارائه می‌دهد، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. با استفاده از این رویکردها متغیرهای احساس نابرابری، طبقه اقتصادی-اجتماعی، خدمات شهری، امکانات رفاهی و کنترل اجتماعی استخراج، شاخص‌سازی و آزمون گردیده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین طبقه اقتصادی-اجتماعی و میزان آسیب‌ها و جرایم معنی‌دار نیست ولی متغیرهای احساس نابرابری، خدمات شهری، امکانات رفاهی، کنترل اجتماعی و شلوغی محل با آسیب‌ها و جرایم رابطه دارند.
حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۳)	نگرشی بر جرم خیزی و زمینه‌های ارتکاب به جرم در محلات حاشیه‌نشین؛ مورد پژوهش: محله شادقلی خان شهر قم	نویسندگان با توجه به اهمیت موضوع و با هدف بررسی این‌که چه عواملی منجر به جرم‌خیزی و ایجاد زمینه‌های ارتکاب به جرم در محله شادقلی‌خان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محلات حاشیه‌نشین شهر قم می‌شود، به بررسی وضعیت جرم‌خیزی و زمینه‌های ارتکاب بدان در این محله، به‌عنوان محدوده مورد مطالعه، می‌پردازند.
دانشجو و اسلامی (۱۳۹۲)	اسکان غیررسمی و راهبرد توانمندسازی درونی (توسعه درون‌زا)	با هدف شناخت مشکل اسکان غیررسمی و ارتباط آن با مسائل و برنامه‌های توسعه در سال‌های اخیر در کشور ایران به بررسی علل بروز این مشکل پرداخته و با نقد آن راهی به‌سوی مفهوم جدیدی از توسعه به نام توسعه درون‌زا می‌گشاید.
غضنفرپور و همکاران (۱۳۹۱)	اسکان غیررسمی چالش فراروی شهرها (مطالعه موردی محله شهرک صنعتی کرمان)	اسکان غیررسمی نتیجه رشد فزاینده جمعیت و مهاجرت و خصوصاً مهاجرت‌های روستا - شهری است، زیرا شهرها توانسته‌اند مسکن مناسب را برای این جمعیت فزاینده فراهم نمایند.
اسماعیلی و امیدی (۱۳۹۱)	تجربه حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان؛ یک مطالعه پدیدارشناسانه	نویسندگان به بررسی تجارب زیسته ساکنان محله اسلام‌آباد تهران از زندگی در این مکان پرداخته و این کار به‌منظور درک مزایا و مضرات حاشیه‌نشینی «آن‌گونه که از دید ساکنان منطقه پنداشته می‌شود» صورت گرفته است.
براکن و همکارانش (۲۰۰۹)	ترک جرم و حاشیه‌نشینی	در تحقیق حاضر به تحلیل حاشیه‌نشینی در بین مجرمان بومی کانادا پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر استعمار افراد و در نتیجه به حاشیه راندن آن‌ها از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، باعث افزایش نرخ حبس و محکومیت افراد شده است که با استفاده از عواملی مانند سرمایه اجتماعی در قالب مهارت‌های فردی و جمعی، می‌توان زمینه اتصال حاشیه‌نشین‌ها را به جامعه گسترده‌تر از طریق سنت‌های فرهنگی به‌دست‌آمده به‌عنوان یک راه برای غلبه بر محدودیت‌های ساختاری برای توقف جرم و جنایت فراهم آورد.
بکلی ^۳ (۲۰۱۵)	پیشگیری از حاشیه‌نشینی	وی در پژوهشی با عنوان «پیشگیری از حاشیه‌نشینی» به مطالعه رفتارهای مهاجران خلاف‌کار در سوئد پرداخته است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که فقدان رفتار شهروندی در میان این افراد، مشارکت آن‌ها را به سمت جرم و جنایت سوق داده است که این نتیجه سیاست‌های اشتباه به حاشیه راندن مهاجران در کشور سوئد است؛ بنابراین تغییر در سیاست‌های مهاجرتی تنها ابزار کاهش جرایم حاشیه‌نشینان و پیشگیری از حاشیه‌نشینی در سوئد است.
موات ^۴ (۲۰۱۵)	به‌سوی یک مفهوم جدید از حاشیه‌نشینی	موات در پژوهشی با عنوان به‌سوی یک مفهوم جدید از حاشیه‌نشینی به فرا تحلیل تئوری‌ها و رویکردهای موجود در این زمینه می‌پردازد. از نظر وی برابری در دستیابی به فرصت‌های آموزشی برابر، می‌تواند عامل مهمی در کاهش و یا کنترل حاشیه‌نشینی کودکان سراسر جهان باشد. تمرکز این پژوهش بر روی کودکان حاشیه‌نشین است، چراکه کودکان توان انعطاف‌پذیری بالایی برای تغییر شرایط و تغییر زندگی در مناطق حاشیه‌ای با استفاده از تحصیل و امکانات آموزشی دارند.

تحلیل: نگارندگان، ۱۳۹۷.

علل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی نیز در قالب مکاتب و نظریات مورد بحث قرار گرفته است. نظریاتی که به دلایل شکل‌گیری و گسترش این سکونتگاه‌ها پرداخته‌اند، به سه دسته بنیادگرا و جامعه‌گرا و لیبرال تقسیم می‌شوند: (جدول ۲).

جدول ۲- دلایل تشکیل حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه از دیدگاه مکاتب

مکاتب غالب	دلایل ایجاد اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی
لیبرال	افزایش ناگهانی جمعیتی و مهاجرت از شهرها به روستا
بنیادگراها	وابستگی برون‌زای کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته، گذار از مرحله کشاورزی به دوره صنعتی.
جامعه‌گرا و جامعه‌گرایان جدید	روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه و انباشت سرمایه، رشد ناموزون اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی (تضاد بین زندگی شهری و روستایی، تضاد طبقاتی و ...)

(منبع: داداش پور، ۱۳۹۰).

3. Beckley, A. L.

4. Mowat, J.

۲. پیشینه مفهوم «دیگری»: مفهوم «دیگری» در حوزه‌های گوناگون مطرح شده است؛ در مطالعات ترجمه، مطالعات سیاسی و جامعه‌شناسی، نقد پسااستعماری ادوارد سعید در شرق‌شناسی، در مباحث مهاجرت و جوامع چند فرهنگی، در فلسفه اخلاق امانوئل لویناس، در روانکاوی ژاک لاکان و ژولیا کریستوا. جمع‌بندی دیدگاه‌های اندیشمندان در رابطه با مفهوم «دیگری» حاکی از آن است که خود و دیگری همواره برای فهم و بسط خویشتن به هم وابسته بوده و هم‌عرض یکدیگرند. آنچه در این میان می‌تواند راه‌های تفسیر و تبیین دیگری را به مخاطره بیندازد، فهم خود از دیگری و نحوه مواجهه با آن است. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- مفهوم «دیگری» از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف

مکتب	صاحب‌نظر	دیدگاه اندیشمند به مفهوم دیگری
پدیدارشناسی	هگل	پیکار خود و دیگری برای شناخت متقابل - دیگری را باید موجودی همانند خود پذیرفت - نزاع بر سر بردگی و سروری شکل می‌گیرد. (هگل، ۱۳۸۷)
	هوسرل	من دیگری را درک می‌کنم و دیگری مرا - دیگری بازتاب من است درحالی‌که نیست - دیگری ضامنی برای وجود اندیشه و تفکر من است. (هوسرل، ۱۳۸۶)
	هایدگر	دازاین به معنای وجود داشتن در کنار دیگری است. دازاین در حال زیست با سایر دازاین‌ها است. فرد منتشر اصالت دازاین را تهدید می‌کند. (مقدوری و مصطفوی، ۱۳۹۴)
	مرلوپوتنی	در پیوند با مفهوم با هم بودن هایدگر - موجودات آگاه دیگری من در تجربه جهان مشترک‌اند. در جهان بودن با دیالوگ محقق می‌شود، دیالوگ با دیگری متفاوت. (پریموژیک، ۱۳۸۷)
	لویناس	خداوند دیگری هستی است و برای رفتن به سوی خدا باید به سوی دیگری رفت. هستی سوژه، مستلزم هستی دیگری است. در برابر دیگری یک مسئولیت اخلاقی داریم. (جهانبگلو، ۱۳۸۴)، (ضمیران، ۱۳۸۹)
اگزستانسالیسم	کارل یاسپرس	هستی درگرو هستی با دیگران است. برای ایجاد من نیاز به غیر است. انسان کامل در ارتباط با دیگری شکل می‌گیرد. (یاسپرس، ۱۳۸۳)
	ژان پل سارتر	رودروویی و دیدار با دیگری - ستیزی شکل می‌گیرد و باید خود را از بند دیگری رها کرد چراکه آزادی مهم‌تر است. (ضمیران، ۱۳۸۹)
	سیمون دوبووار	مرد سوژه است و زن دیگری - در فرهنگ مردسالارانه زن بی‌مصرف است. (شاهمیری، ۱۳۸۹)
	گابریل مارسل	دو شرط برای امکان خود و دیگری قائل است: تعهد و در دسترس بودن حضور - نباید تو تبدیل به آن شود. (مقدوری و مصطفوی، ۱۳۹۴)
روانکاوی	ژاک لاکان	ایجاد دیگری دلالت روانکاوانه دارد. از ابتدای تولد شکل می‌گیرد (ضمیران، ۱۳۸۹) - لاکان، نشانه «دیگری» را در مناسبت محورزادایانه یا «دال» در عرصه ناخودآگاه تلقی نموده است. در نظر او، وضعیت و سواسی فرد، همواره نشان از «دیگری» دارد (Van Pelt, 2000) جدایی‌ناپذیری از تحولات عارض شده در تمنای انسان نسبت به علاقه و به رسمیت شناختن دیگران - میل و تمنا عبارت است از میل و تمنای «دیگری» و آن «دیگری» نقش تعیین‌کننده‌ای در جامعه‌پذیری فرد پیدا می‌کند (Sharp, 2002)
	ژولیا کریستوا	یکی از ریشه‌های دیگری در ملی‌گرایی است و ملت‌های بدون ملی‌گرایی می‌تواند دوی درد باشد. (مک آفی، ۱۳۹۲)

تحلیل: نگارندگان، ۱۳۹۷.

برای اندیشمندان خانه گزیده در مکتب پدیدارشناسی، دیگری همان خود و تجلی خود در امکانات هستی است و تنها از طریق دریافت و فهم دیگری است که امکان دریافت خود محقق خواهد شد. از سوی دیگر، اندیشمندان اگزستانسالیسم، دیگری را به‌مثابه وجود و تقدم وجود بر ماهیت آن‌ها بازسازی می‌کنند. لاکان و کریستوا نیز در هیبت روانکاوان، به دنبال تبیین دیگری درخواست‌های ناخودآگاه انسانی و عملکرد زیستی، روانی آن از بدو تولد انسان‌ها هستند.

روش تحقیق:

پژوهش حاضر به لحاظ «ماهیت» پژوهش، از گونه پژوهش‌های «کیفی» از نوع «بنیادی» و و به لحاظ «قصد» از پژوهش، «تحلیلی» است که به درک شیوه مواجهه خود و دیگری در حیات شهر می‌پردازد. منطق پژوهش، «قیاسی» است. بدین ترتیب که در آن از روش استدلال منطقی استفاده شده است. این روش فرایندی است که باهدف‌ها و مفروضات آغاز شده و از احکام کلی نتایج جزئی را استخراج خواهد نمود. این پژوهش از رویکرد توسعه درون‌زا به‌مثابه راهکاری در جهت سامانمندی و پیوند حاشیه‌نشینان با متن شهر مدد می‌جوید، بدین ترتیب که نخست به بررسی دوگانگی خود و دیگری و به بیان دیگر، دوگانگی حاشیه‌نشینان با متن شهر و علل و عوامل حاشیه‌نشینی پرداخته و سپس رویکرد توسعه درون‌زا را به‌عنوان انگاره‌ای در گستره پرتکاپوی سامانمندی موردبحث قرار می‌دهد و درنهایت به ارائه مدل مفهومی می‌پردازد. اطلاعات پژوهش نیز از طریق روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و تحلیل داده‌ها در عمده موارد متکی بر تفسیرهای کیفی‌ای بوده است که معیار تجزیه و تحلیل آن، عقل، منطق، تفکر و استدلال است. علاوه بر آن، جامعه آماری متشکل از متخصصان رشته شهرسازی، جامعه‌شناسی و جغرافیای شهری در نظر گرفته شد که بر اساس نظر آن‌ها راهکارهای عملی برای پیوند حاشیه‌نشینان با متن شهر با تکنیک دلفی و به کمک پرسش‌نامه و مصاحبه استخراج شدند. درنهایت پرسشنامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل گردید و با بررسی پاسخ‌های به‌دست‌آمده از ۲۰ پرسشنامه مقدماتی و انجام محاسبات آماری لازم، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. تکنیک دلفی، یکی از روش‌های کسب دانش گروهی است که اعضای تشکیل‌دهنده پانل آن، بین ۱۵-۱۰ نفر است. در این پژوهش با اتفاق نظر اعضای پانل دلفی، پرسش‌نامه‌ها در سه دور توزیع شدند که در هر دور برخی از راهکارها از مجموع راهکارها حذف

شدند و راهکارهایی که در هر دور بیشترین امتیاز را کسب نمودند، برای دور بعدی انتخاب گردیدند. پس از نهایی شدن راهکارهای توانمندسازی حاشیه‌نشینان، در نهایت سطح جذابیت راهکارها بر اساس نظر کارشناسان سنجیده شد.

بحث و یافته‌های تحقیق:

تا زمانی که بینشی درخور برای مواجهه با پیامدهای ناگوار شهرنشینی فراهم نشود، سیاست‌های برخورد با این پیامدها نیز از موضوع عقلانی اتخاذ نشده و انتظار زیادی نمی‌توان از این سیاست‌ها برای حل پایدار مسائل داشت. از این‌رو در ادامه، به تبیین نظری دوگانگی شهر و حاشیه‌نشینان به عنوان خود و دیگری و توسعه‌ی درون‌زا به عنوان انگاره‌ای جهت سامانمندی و پیوند حاشیه‌نشینان و متن‌نشینان پرداخته می‌شود.

دوگانۀ خود و دیگری: در علوم اجتماعی، هنگامی که صحبت از دیگری می‌شود، بحث این است که اقلیت و اکثریت جامعه چگونه شکل می‌گیرد؛ بنابراین در اندیشه جامعه‌شناختی، اقلیت‌ها معمولاً دیگری را تشکیل می‌دهند. چراکه «اکثریت» در چارچوب جامعه، واجد قدرت می‌شوند و همین قدرت، زمینه‌ساز معنای دیگری در چارچوب «بازنمایی» خواهد شد. جورج هربرت مید، در کتاب معروف خود، ذهن، خود و جامعه^۵ یادآور شد که هویت‌های اجتماعی از طریق کنش و واکنش با «دیگر» اصناف و طبقات و قومیت‌ها شکل می‌گیرد. لذا هویت‌ها عناصری از منحصر به فرد بودن را در خود دارند؛ بدین معنا که آنچه من (هویت) دارم منحصر به گروه من است و آنچه دیگری دارد به من تعلق ندارد (Zevallos, 2011). مفهوم دیگری در قلمروهای متنوعی از نظام‌های فکری از فلسفه و پدیدارشناسی تا زبان‌شناسی، روانکاو و نظریه‌پسااستعماری به شکلی گسترده کاربرد دارد. اگرچه گستره معنایی این اصطلاح بسیار وسیع است، در عمومی‌ترین سطح، به رابطه‌ای دوقطبی بین یک سوژه و یک فرد یا یک چیز اشاره دارد که متفاوت یا غیر است و به مثابه ناخود تعریف و تثبیت شده است (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۱۱۰). بحث دیگری در تقابل دوتایی خود/دیگری مبتنی بر این فرض است که در دل تجربه شخصی، خودی ذهنی وجود دارد که هر چیزی را به مثابه دیگری از خود بیگانه می‌سازد.

مرکز و حاشیه (به مثابه خود و دیگری):

تحولات نشأت گرفته از ظهور جوامع مدرن که با رشد سریع شهرنشینی همراه بوده است، به ظهور الگویی از شهری شدن در قالب پیدایش حاشیه‌ها منجر شده است. هرچند پیشینه حاشیه‌نشینان به درازای عمر شهرنشینی است (نقدی، ۱۳۹۲: ۹۰)، این عوامل سبب هجوم مهاجران و تازه‌واردان به نقاط شهری و متعاقب آن انفجار شهری در جهان منجر شد. بخشی از این جمعیت شهری نتوانستند استانداردهای لازم برای زندگی شهری را تأمین کنند. این گروه با توجه به عدم تخصص و شغل و درآمد نامناسب، توانایی سکونت در متن شهر را نداشته و با هجوم به حومه‌ها زمینه گسترش حاشیه‌نشینان را فراهم کردند. به طوری که در کشورهای درحال توسعه، ۵۰ درصد جمعیت شهری در آلونک‌ها و منطقه حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند که در بعضی از شهرها این نسبت تا ۸۰ درصد افزایش می‌یابد. با توسعه شهری و افزایش جمعیت شهرهای مسلط و بزرگ جهان سوم، مناطق آلونک‌نشین و حاشیه‌نشین نیز به سرعت گسترش می‌یابد (شکویی، ۱۳۷۹: ۴۲). حاشیه‌نشینان را نباید به زندگی در جغرافیای خاص محدود نمود. حاشیه‌نشینان، دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می‌کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آن‌ها و منطقه اصلی شهر نوعی جدایی عارض می‌شود. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده‌ها باشد که به علت هزینه‌های بالای زندگی قادر به زندگی در متن اصلی شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آنجاکه بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی‌توانند وجود این مهاجرین را بپذیرند، لذا آنان به مناطقی روی می‌آورند که امکان کنترل‌های اجتماعی و هنجاری کمتری در آنجا وجود دارد. این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار دارند.

اما وجه درونی حاشیه‌نشینان با نظام فرهنگی-اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است. بر این اساس آن‌گونه که رابرت پارک (۱۹۸۱) بیان می‌دارد، انسان حاشیه‌نشین نوعی شخصیت است که در زمان و مکانی به وجود می‌آید. سرنوشت او را محکوم می‌کند که در یک زمان در دو دنیای جداگانه زندگی کند. این انسان حاشیه‌نشین تحت تأثیر خود منقسم شده قرار دارد و پیوسته بحران دائمی را احساس می‌کند (انصاری، ۱۳۶۹: ۲۰). بر اساس آنچه بیان گردید به‌ویژه نظریات پارک می‌توان چند ویژگی عمده را در مورد انسان حاشیه‌ای استخراج کرد که عبارت‌اند از:

⁵ Mind, Self and Society

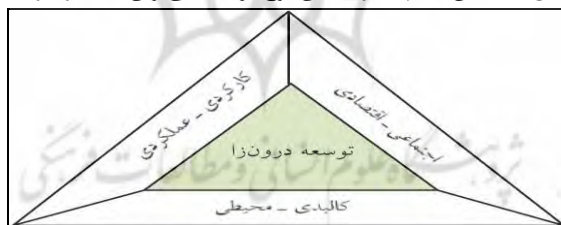
⁶ Non-self

بیگانگی و ناهمخوانی با محیط: به‌زعم پارک انسان حاشیه‌ای سرنوشتی خاص دارد. از نظر فرهنگی، دورگه است و گاه نیز حامل ارزش‌ها و سنن دو قوم متمایز به لحاظ مهاجرت می‌باشد. انسان حاشیه‌ای، انسانی است که سرنوشتش او را محکوم به زندگی در دو جامعه و دو فرهنگ نه تنها متمایز، بلکه متخاصم ساخته است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۵۸).

حاشیه‌نشینان از نظر سواد در سطح پایینی هستند و بی‌سواد در بین آنان زیاد است (ربانی و افشاری کهن، ۱۳۸۱: ۹۵). اکثر آن‌ها فاقد مهارت هستند و به مشاغل سطح پایین اشتغال دارند (عریضی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۰۹ نقل از Berger، ۱۹۸۶: ۳۱). در نتیجه شکل‌گیری این پدیده مسائل متعددی را با خود به همراه دارد که فقط محدود به مناطق حاشیه‌نشین نمی‌شود و حتی کل یک شهر را متأثر می‌سازد، به‌طوری‌که پیامد آن بروز انواع ناهنجاری‌ها در زمینه شهرنشینی است. اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل غیررسمی و کاذب، وجود ساخت‌وسازهای غیرمجاز، عدم توانایی شهرداری‌ها برای ارائه خدمات مناسب در این مناطق، آلودگی محیط‌زیست، اثرات نامطلوب فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این مناطق بر کل سیستم شهری، افزایش جرم و انحرافات در این مناطق، همه و همه از جمله آثار مخرب و مضر حاشیه‌نشینی، چه بر روی ساکنان آن مناطق و چه بر روی دیگر افراد ساکن در شهرهای بزرگ می‌باشند (حسین‌اوغلی، ۱۳۸۶: ۹۶).

توسعه درون‌زا انگاره‌ای در گستره پرتکاپوی سامانمندی:

طرح‌های رشد و توسعه، منجر به ایجاد دگرگونی‌های شتابان در سراسر دنیا می‌گردد. در این‌گونه جوامع، نهادها و مؤسسات متضمن ساختارها و روش‌های مختلفی در جهت برآوردن نیازهای اساسی جامعه عمل می‌کنند و ایجادکننده سرمایه‌های فرهنگی آن‌ها می‌گردند و از این رهگذر قادرند اهرم‌های مختلف توسعه اقتصادی و اجتماعی را که شامل استاندارد زندگی متأثر از منابع فرهنگ بومی است به‌صورت درون‌زا به حرکت درآورند (جوئوبا، ۱۹۸۹). توسعه فقط زمانی معنی دارد که درون‌زا باشد و مرکز آن انسان باشد، انسان چندبعدی و جامعه (لطیفی، ۱۳۸۸: ۸۵). توسعه درون‌زا (درونی) با به‌کارگیری توان‌ها و فرصت‌های موجود بر اساس برنامه‌ریزی‌های مرتبط، بر ایجاد تعادل در نحوه توزیع کیفی و کمی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی و گریز از فقر شهری و درنهایت استفاده از مشارکت و پوشش اجتماعی مردم تأکید دارد. به‌عبارت‌دیگر، توسعه درونی، استفاده از تمامی توان‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود در سطح شهر برای رسیدن به شهری پایدار و مشارکتی است و تمامی ساختارهای اجتماعی، کالبدی، سیاسی و اقتصادی را برای رسیدن به تعادل کیفی و کمی و پایدار ارتقاء می‌دهد (آیینی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۴۸). نگرش درون‌زا به توسعه، دربرگیرنده طیف وسیعی از رویکردهای مختلف است. سه دیدگاه و رویکرد متفاوت و درعین‌حال در کنش باهم را برای این نوع توسعه می‌توان در نظر گرفت: (شکل ۲).

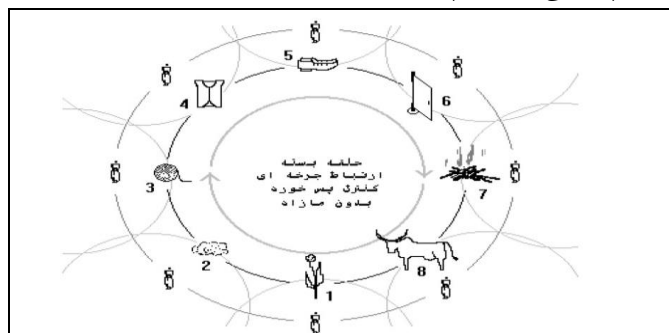


شکل ۲- رویکردهای توسعه درون‌زا، منبع: نگارندگان

رویکرد اجتماعی- اقتصادی درون‌زا، مسائلی چون توسعه مشارکت اجتماعی، ارتقای تعاملات فرهنگی جامعه، تعامل با توسعه‌گران و ذینفعان، افزایش و بهره‌وری مالیات و درآمدها و عواملی از این دست را در برمی‌گیرد. رویکرد کاربردی- عملکردی، به‌طور عمده حول محور بحث‌های اختلاط کاربری‌ها، توجه و ارتقای زیرساخت‌های محدوده، باز زنده سازی محیط‌های ناکارآمد و زمین‌های رها شده است. رویکرد کالبدی- محیطی، بحث‌های مربوط به وضعیت محیطی و زیستی محدوده، ظرفیت سنجی محیطی و توجه به آثار و پیامدهای توسعه و دامنه وسیعی از تمام راه‌حل‌ها، راهبردها و پیشنهادهای طراحی را که برای محیط کالبدی محدوده در ابعاد مختلف ارائه می‌شود در برمی‌گیرد (McConnell & Wiley, 2010:32).

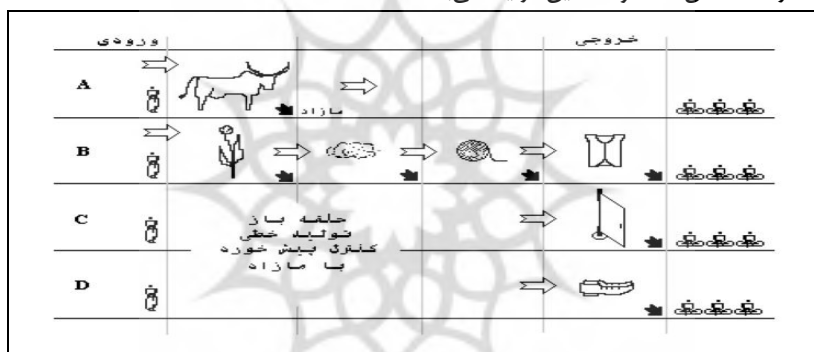
فرآیند «تولید» در توسعه درون‌زا: «فرآیند تولید» یکی از اصول دوگانه توسعه درون‌زا است. به‌عبارت‌دیگر، برای پاسخگویی به خواسته‌ها و نیازهای فرد و یا جامعه باید به امکانات و شرایطی دست یافت که به‌صورت علمی و حرفه‌ای مورد توجه بوده و در آینده به‌صورت کاربردی مدنظر قرار گیرند. در مدل توسعه درون‌زا، سطوح مختلف فرآیند تولید را می‌توان به‌صورت ذیل خلاصه نمود: علت مادی (شرایط و امکانات)؛ علت صوری (مقصد و محصول تولیدشده نهایی)، علت فاعلی (متخصص، رشته تخصصی، تئوری، ...؛ علت غایی (مردم، قصد، هدف، نیاز، ...) (اسلامی، ۱۳۸۰: ۴۸).

تولید سنتی: «هر عنصر تولیدشده و مشارکت‌کننده در چرخه تولید نیازمند مداخله انسانی مولد است که مسئول کنترل فرآیند تولید نیز باشد. این کنترل توسط فعل و انفعالی بازخوردی که دانش و تجربه مردم را برای سازگاری با شرایط زندگی به کار گرفته میسر شده است. در نتیجه، فرآیند طبیعی تولید نه تنها به روند زندگی و خصوصیات فرهنگی اجتماعی وابسته است بلکه می‌توان آن را به‌منزله موجد اصلی تشکیل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها دانست» (اسلامی، ۱۳۸۲: ۵).



شکل ۳- فرآیند طبیعی و چرخه‌ای تولید با ساخت تشکیلاتی افقی در جوامع سنتی (اسلامی، ۱۹۹۷).

تولید صنعتی: تولید صنعتی ویژگی‌های منحصربه‌فردی را داراست که برخی از آن‌ها در تصویر شماره ۴ نمایش داده شده است. «تولید صنعتی روال خطی داشته و بدنه فرآیندهایش، برعکس تولید سنتی، درون جامعه نیست. در نتیجه تعداد اندکی از مردم با فرآیند تولید مرتبط بوده لکن اکثریت آن‌ها مصرف‌کنندگان محصولات این فرآیند می‌باشند.



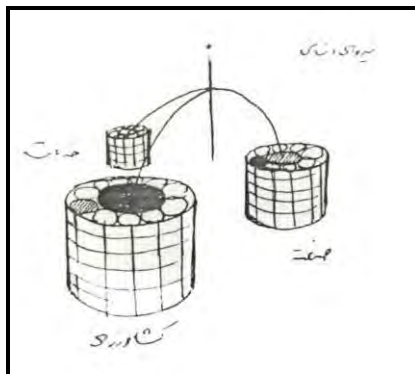
شکل ۴- تولید صنعتی و خطی همراه با تشکیلات سلسله مراتبی در جوامع مصرفی (اسلامی، ۱۹۹۷).

در هر خط تولید صنعتی مراتب و فعالیت‌های متعددی وجود دارد که مسیرهای آن‌ها به‌صورت تخصصی از هم جدا است. از ویژگی‌های دیگر فرآیند تولید صنعتی آن است که نتایج تولیدشده در هر مسیر ارتباط مستقیمی با سایر فرآورده‌ها ندارد. این فرآورده‌ها از پیش تنظیم شده و دارای دستگاه‌های کنترل پیش‌خورده هستند، بنابراین، با انتخاب این روش تولید، نیازی به جامعه‌ای یکپارچه و مولد برای کنترل رویه عمل تولید نیست» (اسلامی، ۱۹۹۶). لذا، سازمان‌های اجتماعی بر پایه شیوه مصرف شکل گرفته و به شناخت نیازهای واقعی مردم احتیاجی نیست بلکه توجه و هدف اصلی تولید کالا و محصولات بهتر است. در نتیجه جریان تولید به چیزی جدای از نیاز واقعی مردم سوق داده می‌شود. «یک شهرنشین امروزی در جامعه مصرفی تنها دریافت‌کننده‌ای غیر پویاست که برای بقایش کاملاً به دیگران وابسته است. این سبک زندگی تصویری از توسعه اقتصادی و بهره‌وری بالا را به ذهن می‌آورد. ساختمان‌ها در دو بخش دولتی و خصوصی برای مصرف‌کنندگان طراحی و ساخته می‌شوند. تصمیمات توسط دولت‌ها، شرکت‌ها، بازاریابان، مؤسسات مالی، مشاوران فنی و افرادی که در ساختمان‌سازی دخیل هستند ساخته می‌شوند. لذا، آن‌ها در گروه فرآیندهای سنتی با حلقه بسته و چرخه‌ای با کنترل پس‌خورده قرار ندارند» (اسلامی، ۱۳۸۲: ۷).

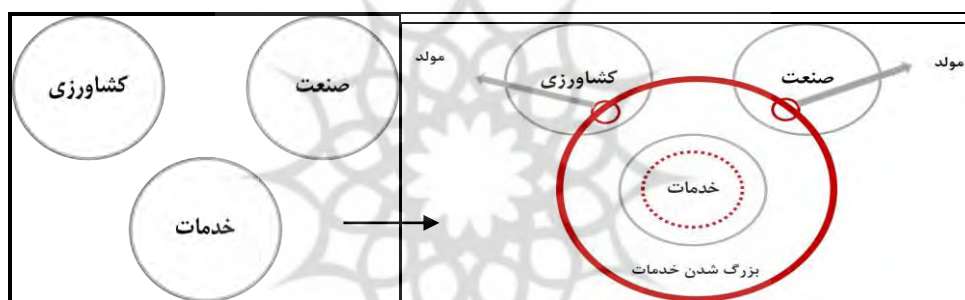
بحث (مدل توسعه درون‌زا):

جامعه مصرفی - جامعه مولد: ارتباط قطب‌های نیرومند اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) در جوامع مولد بر اساس روابط علت و معلولی تولید تنظیم شده است. این روابط در سطح افقی و هم‌زمان قرار دارند. بدین ترتیب، بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت و خدمات، در یک محیط خودکفا و خوداتکاء جوابگوی نیازهای یکدیگر هستند. «با تحمیل شیوه تولید صنعتی و از پیش تنظیم‌شده، نیروی خلاق و مولد مردم، آن طوری که در فرآیندهای سنتی با کنترل پس‌خورد رشد می‌یابد، اجازه رشد نخواهد یافت. سیستم‌های کنترل پیش‌خورده

نیروی خلاق جوامع را که می‌تواند در توسعه مؤثر واقع گردد به تلاش در جهت مصرف انبوه کالاهای تولیدشده تغییر می‌دهند» (همان: ۹). بزرگ شدن (آماس کردن) خدمات، قطب صنعت و کشاورزی را کوچک می‌کند. بزرگ شدن خدمات بدین معنا که نیروی کار ارزان ما مورد تأیید کشورهای پیشرفته باشند. موضوع، یک جریان پیوسته از تولید به مصرف و بزرگ شدن بخش مصرف است. بدین ترتیب در بخش خدمات، تولیدی وجود نخواهد داشت و تماماً مصرفی خواهد بود. در پاره‌ای موارد آنچه جامعه را به سمت مصرفی شدن سوق می‌دهد بزرگ شدن قطب خدمات است. در جوامع مولد، معمولاً بخش خدمات پایه‌پای بخش تولید، توسعه یافته و پاسخگوی نیازهای ناشی از فرایند تولید خواهند گردید.



شکل ۵- سه قطب خدمات، صنعت و کشاورزی در جامعه مولد (اسلامی، ۱۳۹۸)



شکل ۶- مدل توسعه درون‌زا در جامعه مولد (اسلامی، ۱۳۹۸)

اولویت بندی راهکارهای عملی بر اساس رویکرد توسعه درون‌زا:

به منظور ارزیابی سطح جذابیت راهکارها برحسب میزان تأثیرگذاری آن‌ها، نخست معیارهایی جهت طبقه‌بندی آن‌ها تعیین شد. سپس بر اساس نتایج این طبقه‌بندی و اولویت‌بندی اثرگذاری، اقدامات برخاسته از هر یک از راهکارهای پیشنهادی مشخص شد که در ادامه و در جدول زیر به تفصیل آمده است (جدول ۴ و ۵). رتبه سطح جذابیت مبتنی بر سه گروه ۱ (کوتاه‌مدت)، ۲ (میان‌مدت) و ۳ (بلندمدت) خواهد بود.

جدول ۴- نحوه سطح‌بندی و تعیین اولویت‌های اثرگذاری هر راهکار

ردیف	معیار	تفسیر معیار
۱	اشتغال‌زایی	توان بالقوه و بالفعل راهکار پیشنهادی موردنظر برای ایجاد اشتغال حداکثری همراه با ثبات و امنیت شغلی وابسته به آن است.
۲	اثربخشی و پایداری	توان راهکار پیشنهادی برای کاهش آسیب‌ها و شوک‌ها و از طرفی امکان استمرار آن در گستره زمان و مکان برای نسل‌های فعلی و آتی است.
۳	محرومیت‌زدایی	راهکار پیشنهادی از توان بالقوه و بالفعل برای کاهش آسیب‌پذیری برخوردار بوده و ارتقای قابلیت دسترسی اجتماع محلی به دارایی‌های پایدار معاش را فراهم می‌نماید.
۴	نیاز اولویت‌دار	راهکار پیشنهادی از نیازهای اولویت‌دار (اظهارشده یا ادراک‌شده) اجتماع محلی به شمار می‌آید.
۵	مشارکت‌پذیری	راهکار پیشنهادی به دلیل همسویی و هم‌افزایی منافع، امکان جلب حداکثری مشارکت ذینفعان محلی در فرایند اجرا و حمایت از اجرا را تأمین می‌نماید.
۶	دامنه نفوذ	راهکار پیشنهادی از توان بالایی جهت پوشش حداکثری خانوارهای حاشیه‌نشین در مقیاس منطقه و کلیت شهر برخوردار است.

تحلیل: نگارندگان، ۱۳۹۷.

جهت بررسی میزان اهمیت و اولویت‌بندی ۱۳ راهکار عملی جهت پیوند حاشیه به شهر که از نتایج نظرسنجی کارشناسان استخراج گردید، از مدل سنجش سطح جذابیت استفاده شد. قضاوت یا ارزیابی کارشناسی در خصوص اهمیت و اولویت اجرای هر یک از راهکارها متناسب با معیارهای پیشنهادی دربردارنده امتیازی میان اعداد ۱ تا ۵ خواهد بود. همچنین رتبه سطح جذابیت مبتنی بر سه گروه ۱ (اولویت اول)، ۲ (اولویت دوم) و ۳ (اولویت سوم) است. با توجه به نتایج حاصل از مدل سنجش سطح جذابیت از میان راهکارهای عملی استخراج‌شده، راهکارهای افزایش مزیت‌های کار در مناطق حاشیه‌نشین جهت جذب نیروی کار باتجربه و فعال به این مناطق به‌ویژه در محور آموزش و پرورش و سلامت، برگزاری دوره‌های آموزشی و بازآموزی مهارت‌های نیروی کار به‌منظور حل مشکلات اشتغال نیروی کار جوان شامل دوره‌های آموزشی تراشکاری، برق، مکانیک، کامپیوتر، تولید صنایع، شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد با مشارکت خود حاشیه‌نشینان در راستای نیازسنجی مناطق حاشیه‌نشین و ارائه وام‌های بانکی برای حاشیه‌نشینان با سود کم برای خوداشتغالی و یا تهیه مسکن از سطح جذابیت بالایی برخوردار بوده و در اولویت اول قرار دارند. راهکارهای ارائه خدمات اساسی به حاشیه‌نشینان (آب، برق، گاز، سیستم دفع فاضلاب و ...)، اصلاح معابر و شبکه ارتباطی و خطوط حمل‌ونقل در مناطق حاشیه‌نشین، ایجاد مدارس، آموزش و پرورش مناسب، ایجاد و گسترش امکانات تفریحی، ورزشی و فرهنگی و احداث کلیه امکانات موجود در کلان‌شهرها در این مناطق که بیشتر بعد کالبدی دارند، در اولویت دوم قرار گرفته و در نهایت راهکارهای شناسایی و جمع‌آوری افراد سرور و مبادله کنندگان مواد مخدر و کوتاه کردن دست زمین‌خواران و بورس بازان از این مناطق حاشیه‌نشین نسبت به سایر راهکارها از سطح جذابیت پایینی برخوردار بوده و در اولویت سوم قرار دارند (جدول ۵).

جدول ۵- ارزیابی و طبقه‌بندی سطح جذابیت راهکارهای عملی جهت پیوند حاشیه به شهر

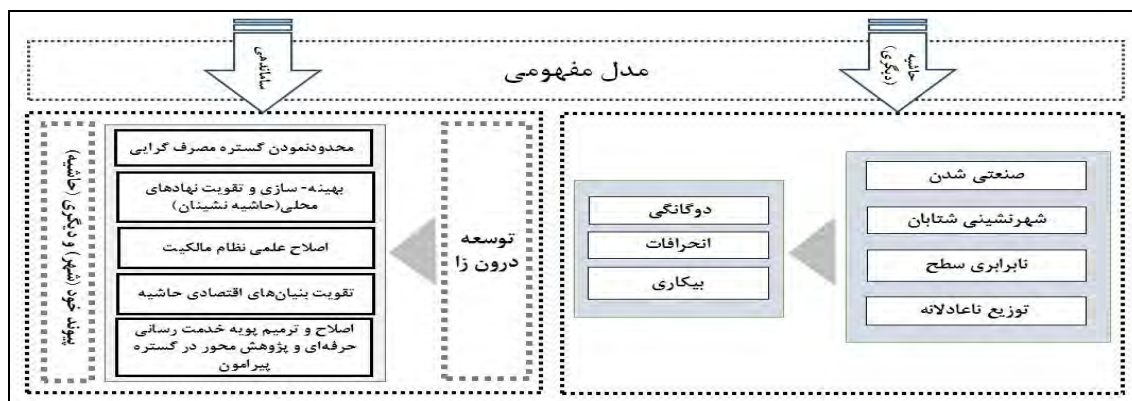
اولویت	جمع امتیازات	توانمندسازی	دامنه نفوذ	مشارکت‌پذیری	نیاز	اولویت‌دار	محرومیت‌زاد	آزادسازی و	عاطفی	اشتغال‌زایی	گویه‌ها
۲	۲۳	۳	۴	۱	۴	۵	۵	۵	۱	۱	ارائه خدمات اساسی به حاشیه‌نشینان (آب، برق، گاز، سیستم دفع فاضلاب و ...)
۲	۲۰	۳	۳	۱	۴	۴	۴	۴	۱	۱	اصلاح معابر و شبکه ارتباطی و خطوط حمل‌ونقل در مناطق حاشیه‌نشین
۲	۱۹	۴	۳	۱	۳	۳	۳	۴	۱	۱	ایجاد مدارس، آموزش و پرورش مناسب
۲	۱۷	۳	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۱	۱	ایجاد و گسترش امکانات تفریحی، ورزشی و فرهنگی و احداث کلیه امکانات موجود در کلان‌شهرها در این مناطق
۳	۱۳	۲	۲	۱	۳	۲	۲	۲	۱	۱	کوتاه کردن دست زمین‌خواران و بورس بازان از این مناطق حاشیه‌نشین
۱	۲۸	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۵	۵	افزایش مزیت‌های کار در مناطق حاشیه‌نشین جهت جذب نیروی کار باتجربه و فعال به این مناطق به‌ویژه در محور آموزش و پرورش و سلامت
۲	۲۲	۴	۲	۲	۴	۳	۳	۳	۴	۴	تشویق سرمایه‌داران شهری برای سرمایه‌گذاری در این محلات به دلیل نیروی کار و زمین فراوان و ارزان
۱	۲۷	۵	۳	۲	۴	۴	۴	۴	۵	۵	ارائه وام‌های بانکی برای حاشیه‌نشینان با سود کم برای خوداشتغالی و یا تهیه مسکن
۲	۲۶	۴	۴	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۴	ارائه وام‌های بانکی برای زنان برای راه‌اندازی کارگاه‌های قالبیابی، صنایع دستی و خشکبار
۱	۲۸	۵	۴	۴	۴	۳	۳	۳	۵	۵	برگزاری دوره‌های آموزشی و بازآموزی مهارت‌های نیروی کار به‌منظور حل مشکلات اشتغال نیروی کار جوان شامل دوره‌های آموزشی تراشکاری، برق، مکانیک، کامپیوتر، تولید صنایع
۳	۱۴	۱	۳	۱	۴	۲	۲	۲	۱	۱	شناسایی و جمع‌آوری افراد سرور و مبادله کنندگان مواد مخدر
۱	۱۷	۵	۳	۵	۴	۴	۴	۴	۲	۲	شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) با مشارکت خود حاشیه‌نشینان در راستای نیازسنجی مناطق حاشیه‌نشین
۲	۲۰	۴	۳	۲	۳	۳	۳	۴	۱	۱	راه‌اندازی دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی برای زنان این مناطق در راستای تقویت بنیان خانواده و ...

تحلیل: نگارندگان، ۱۳۹۷.

نتیجه‌گیری:

صنعتی شدن و شهرنشینی، عوارضی از جمله فاصله طبقاتی، تجمع ثروت در دست عده‌ای و فقر عده‌ای کثیر، رفته‌رفته زمینه صورت‌بندی شهر و حاشیه را فراهم نمود و شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین را موجب گردید. آنچه بدیهی می‌نماید آن است که شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشین، متضمن معضلات و مسائل گوناگونی است که تنها محدود به مناطق حاشیه‌نشین نشده، بلکه تمامیت وجودی شهر را دستخوش چالشی اصلاح‌ناپذیر می‌نماید و متعاقب آن، بروز و ظهور انواع ناهنجاری‌ها و عارضه‌های آسیب‌شناسانه را درزمینه شهرنشینی به دنبال دارد. با توجه به نتایج حاصل از مدل سنجش سطح جذابیت از میان راهکارهای عملی استخراج‌شده، راهکارهای افزایش مزیت‌های

کار در مناطق حاشیه‌نشینی جهت جذب نیروی کار باتجربه و فعال به این مناطق به‌ویژه در محور آموزش و پرورش و سلامت، برگزاری دوره‌های آموزشی و بازآموزی مهارت‌های نیروی کار به‌منظور حل مشکلات اشتغال نیروی کار، شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد با مشارکت خود حاشیه‌نشینان در راستای نیازسنجی مناطق حاشیه‌نشین و ارائه وام‌های بانکی برای حاشیه‌نشینان با سود کم برای خوداشتغالی و یا تهیه مسکن از سطح جذابیت بالایی برخوردار بوده و در اولویت قرار دارند. با توجه به مطالب یادشده می‌توان مدل نظری زیر (شکل ۷) را که مشخص‌کننده رابطه بین «خود»، «دیگری» و «توسعه درون‌زا» است به‌عنوان راهکاری جهت پیوند خود و دیگری، ارائه نمود. مطابق این مدل نظری، تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی-اجتماعی چون رشد شتابان شهرنشینی، مهاجرت‌های لجام‌گسیخته روستایی و سازوکارهای تبعیض‌آمیز و فقر بر پایه توزیع غیرعادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد را می‌توان از جمله عوامل تأثیرگذار بر مسئله حاشیه‌نشینی برشمرد. در کشورهای توسعه‌یافته به دنبال رشد سریع شهرها، مرکز شهر محل سکونت افراد متمول و طبقه مرفه است. رفته‌رفته با گسترش مناطق تجاری و صنعتی در این محل، حرکت از مرکز شهر به سمت خارج آغاز شده و کارگران و اقشار فقیر و کم‌درآمد، رهسپار این مناطق می‌شوند و بدین ترتیب مناطق حاشیه را ایجاد می‌نمایند؛ اما در کشورهای درحال توسعه، پیرو شهرنشینی سریع و مهاجرت عظیم به‌واسطه نابرابری سطح زندگی در روستا و شهر (مقصد نسبت به مبدأ)، روستائیان روانه شهرها شده ولی نتوانسته‌اند خود را با شرایط شهر تطبیق دهند، لذا به حاشیه شهرها که اجاره‌بها در آنجا سطح پایین است رانده شده‌اند؛ بنابراین عدم سازگاری آنان با متن شهر، باعث بروز پدیده حاشیه‌نشینی می‌شود؛ بنابراین عامل اول حاشیه‌نشینی، اقتصاد و بعد از آن دلایل فرهنگی و اجتماعی است. فضای حاشیه، انزوای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ساکنان خود را به همراه دارد. در نتیجه استمرار این شرایط در طول دهه‌های متمادی زندگی حاشیه‌نشینان، نوعی هویت خاص در این مناطق شکل گرفته است که با هویت متداول حاکم بر مردم شهر و یا به اصطلاح همان متن‌نشینان متفاوت است. بسیاری از مردم مناطق حاشیه‌نشین خود را شهروند درجه دوم احساس می‌کنند که از سوی متن‌نشینان رانده شده‌اند. انسان حاشیه‌نشین شخصیتی است که در ورطه نابودی و عدم پیوستگی کامل میان دو جامعه و فرهنگ و یا دو نظام اجتماعی زندگی می‌کند ولی نسبت به هیچ‌کدام احساس کامل پیوستگی عاطفی و یا عضویت اجتماعی نمی‌نماید و در عین آشنایی نوعی بیگانگی و بی‌تفاوتی نسبت به محیط اطراف خویش و یا جریاناتی که با آن روبه‌روست از خود نشان می‌دهد. همین شرایط گیج‌کننده، نوعی دوگانگی شخصیت برای فردی که خود شناساننده ضمیر انسان حاشیه‌نشین است ایجاد می‌کند. در اینجا است که فرد از اجتماع بریده احساس بیگانگی نموده، لذا به سوی آن‌هایی می‌رود که با وی همدردند. پیامد چنین پدیده‌ای، بیکاری، انحراف و مسائلی از این دست است. لذا مهم‌ترین گام در جهت حل معضل حاشیه‌نشینی این است که بین متن و حاشیه تعامل برقرار شود. بدین ترتیب که مسئله مهم، چگونگی دادوستد با هویت بسته و جدا افتاده حاشیه‌نشینان است که می‌بایست بر اساس روش گشودگی و انعطاف، نقد و خودپرسی، معتدل و متداول صورت گیرد. در این راستا در پژوهش حاضر، رویکرد توسعه درون‌زا به‌عنوان رهیافت حل مسئله انسان حاشیه‌نشین و تعامل بین متن حاشیه (خود و دیگری) مطرح گردید. توسعه درون‌زا؛ یعنی توانمندسازی انسان حاشیه‌ای از طریق پذیرفتن حقوق شهروندی این افراد و حرکت به سمت مشارکت مردمی. لذا در پاسخ به پرسش پژوهش، «درون‌زایی» با به‌کارگیری مشارکت افراد در فرایند توسعه به توان‌بخشی نیروهای «مولد» و پویایی حاشیه مدد می‌رساند؛ و با اصلاح و ترمیم پویه خدمت‌رسانی حرفه‌ای و پژوهش‌محور در گستره پیرامون به‌منظور تسریع در تراکنش میان دو حوزه صنعت و کشاورزی؛ محدود نمودن گستره مصرف‌گرایی، بهینه‌سازی و تقویت نهادهای محلی در فرایند توان‌بخشی جامع در گستره حاشیه و اصلاح علمی نظام مالکیت، تقویت بنیان‌های اقتصادی حاشیه در پرتو طرح جامع کنش متقابل اقتصاد خرد و کلان در قلمرو توسعه درون‌زا، تأثیری ژرف بر هدف‌های توسعه درون‌زا بر جای نهاده و می‌تواند شکاف عمیق میان خود (شهر) و دیگری (حاشیه) را تا حد زیادی مرتفع نماید. با توجه به مطالب ذکرشده، توسعه درون‌زا به‌عنوان راهکاری جهت پیوند حاشیه‌نشینان (خود) با متن شهر (دیگری) ارائه می‌گردد (شکل ۷).



شکل ۷- فرایند توسعه درون‌زا در پیوند حاشیه به متن - منبع: نگارندگان.

منابع و مأخذ:

۱. آیینی، محمد و زهره‌السادات اردستانی (۱۳۸۸): «هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه‌های توسعه درون‌زای شهری»، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۵، صص ۴۷-۵۸.
۲. اسلامی، غلامرضا (۱۳۸۰): «فرایند توسعه و تولید درون‌زا»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۴۴-۵۱.
۳. اسلامی، غلامرضا (۱۳۸۲): «الگوی فراموش‌شده: اصل مشارکت مردم در فرایند طراحی و توسعه درون‌زا»، نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید (فارسی) (نشریه بین‌المللی علوم مهندسی)، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۱-۱۳.
۴. اسلامی، غلامرضا (۱۳۹۲): درس گفتار مبانی نظری معماری: عینکمان را خودمان بسازیم، علم معمار، تهران.
۵. اسلامی، غلامرضا (۱۳۹۸): دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، کلاس درس روش‌های علوم تجربی در فرایند طراحی و نقد فضا، ۲۷/۱/۱۳۹۸.
۶. اسماعیلی، رضا و مهدی امیدی (۱۳۹۱): «بررسی تجربه حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان: یک مطالعه پدیدارشناسانه»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۷۹-۲۰۸.
۷. انصاری، عبدالمعبود (۱۳۶۹): ایرانیان مهاجر در ایالت متحده: پژوهشی در حاشیه‌نشینی دوگانه. ت: ابوالقاسم سری، آگه، تهران.
۸. بیات، بهرام (۱۳۹۴): «تحلیل آسیب‌ها و جرایم مناطق حاشیه‌نشینی شهر تهران»، مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴۳، تهران، صص ۱-۲۰.
۹. پریموزیک، دنیل تامس (۱۳۸۷): مرلو - پوتنی: فلسفه و معنا. ت: محمدرضا ابوالقاسمی، مرکز، تهران.
۱۰. جهانگللو، رامین (۱۳۸۴): «امانوئل لوی‌ناس: از اندیشه دیگری تا دیگر اندیشیدن» در: بین گذشته و آینده. نشر نی، تهران، صص ۱۳۹-۱۳۳.
۱۱. حاتمی نژاد، حسین، مهدی، علی، مهدیان بهنمیری، معصومه (۱۳۹۳): «نگرشی بر جرم خیزی و زمینه‌های ارتکاب به جرم در محلات حاشیه‌نشین، مورد پژوهش: محله شادقلی خان شهر قم»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۱۲، صص ۲۲۱-۲۴۰.
۱۲. حسامیان، فرخ، اعتماد، گیتی، حائری، محمدرضا (۱۳۷۷): شهرنشینی در ایران، چاپ دوم، انتشارات آگاه، تهران.
۱۳. حسین اوغلی، جواد (۱۳۸۶): «بررسی اسکان غیررسمی در منطقه کلان‌شهر تهران (نمونه موردی: حصار امیر و شهرک انقلاب)»، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. داداش پور، هاشم و بهرام علیزاده (۱۳۹۰): اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین، انتشارات آذرخش، تهران.
۱۵. دانشجو، خسرو و غلامرضا اسلامی (۱۳۹۲)، «اسکان غیررسمی و راهبرد توانمندسازی درونی (توسعه درون‌زا)»، هویت شهر، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۵-۱۰.
۱۶. ربانی، رسول و جواد افشار کهن (۱۳۸۱)، «حاشیه‌نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری»، نشریه فرهنگ اصفهان، شماره ۳۴، اصفهان، صص ۹۵-۱۰۱.
۱۷. رضایی، میثم، بلاغی، رسول، شمس‌الدینی، علی، شاعر، فاطمه، ماندنی، سعید (۱۳۹۵): «ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها (مطالعه موردی: محلات حاشیه‌نشین شهر شیراز)»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صص ۵۷-۷۵.
۱۸. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰): دایره‌المعارف علوم اجتماعی، کیهان، تهران.
۱۹. شاهمیری، آزاده (۱۳۸۹): نظریه و نقد پسااستعماری، علم، تهران.
۲۰. شکویی، حسین (۱۳۸۴): دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران.

۲۱. صرافی، مظفر (۱۳۸۱): «به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی، از پراکنده کاری گزینشی تا همسویی فراگیر»، مجله هفت شهر، شماره ۹ و ۱۰، صص ۳-۶.
۲۲. صنعتی شرقی، نادر، وحیدی، روح اله، حمیدی، سهیل (۱۳۹۶): «تحلیل ساختاری رابطه میان حاشیه نشینی و جرم»، انتظام اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۵۷-۸۲.
۲۳. ضیمران، محمد (۱۳۸۹): فلسفه میان حال و آینده: جستاری در باب اندیشه های فلسفی معاصر. نشر پایان، تهران.
۲۴. عریضی، فروغ؛ ربانی، رسول؛ کریمی، فاطمه (۱۳۸۲): «بررسی مسائل حاشیه نشینی با تأکید بر جنبه های اجتماعی فرهنگی (مطالعه موردی: مناطق ارزنان و دارک اصفهان)»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲۴، صص ۱۲۸-۱۰۱.
۲۵. غضنفرپور، حسین، کمانداری، محسن، علیمردادی، معصومه (۱۳۹۱): «اسکان غیررسمی چالش فراروی شهرها (مطالعه موردی محله شهرک صنعتی کرمان)»، جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، دوره ۲، شماره ۲، صص ۳۱-۴۶.
۲۶. لطفی، حیدر، میرزایی، مینو، عدالت خواه، فرداد و وزیرپور، شب بو (۱۳۸۹): «بحران حاشیه نشینی و سکونت گاه های غیررسمی در مدیریت کلان شهرها و رهیافت های جهانی»، فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۴۵-۱۳۵.
۲۷. لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۸): «دیدگاه هایی از توسعه»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۷۴-۸۵.
۲۸. مقدوری خوبنا، سارا، مصطفوی، شمس الملوک (۱۳۹۴): «مفهوم دیگری در فلسفه یاسپرس»، مجله جستارهای فلسفی، شماره ۲۷، تهران، صص ۱۵۴-۱۲۹.
۲۹. مک آفی، نونل (۱۳۹۲): ژولیا کریستوا، ت: مهرداد پارسا، چاپ دوم، مرکز، تهران.
۳۰. نقدی، اسد الله و صادقی، رسول (۱۳۸۵): «حاشیه نشینی چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری با تأکید بر شهر همدان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۰، صص تهران، ۲۳۳-۲۱۳.
۳۱. هال، دینتر و اولریخ فایفر (۱۳۸۸): آینده شهری قرن ۲۱، ت: اسماعیل صادقی، ناهید صفایی، جامعه مهندسان مشاور ایران، تهران.
۳۲. هگل، گ (۱۳۸۷): خدایگان و بنده، ت: حمید عنایت، خوارزمی، تهران.
۳۳. هوسرل، ادموند (۱۳۸۶): تأملات دکارتی: مقدمه ای بر پدیدشناسی، ت: عبدالکریم رشیدیان، نی، تهران.
۳۴. یاسپرس، کارل (۱۳۸۳): درآمدی به فهم فلسفه ورزی نیچه، ت: سیاوش جمادی، نشر ققنوس، تهران.
35. Beckley, A (2015). Deterrence versus Marginalization: Evidence From Immigrant Offending, *Race and Justice*, July 2015; vol. 5, 3: pp. 278-300.
36. Bollens, S. (2001) "City and soul: Sarajevo, Johannesburg, Jerusalem, Nicosia," *City*, 5 (2), pp169-87.
37. Bracken, D. C., Lawrence, D., Larry, M. (2009). Desistance and social marginalization: The case of Canadian Aboriginal offenders, *Theoretical Criminology*, vol. 13, no. 1: pp. 61-78.
38. Islami, S. Gh. Reza (۱۹۹۶), 'Production Process and Endogenous Development' Conference in Human Science Birmingham.
39. Islami, S. Gh. Reza (۱۹۹۷), 'How can an Endogenous Model of Production be possible? An Approach to Reconstructing Traditional Production of Built Environment after Disasters.' The 1st International Conference on Reconstruction of the Wardamaged Areas, Tehran.
40. Jotoba, J. (۱۹۸۹), 'Alternative Resources for Grassroots Development: t AyViewefromr Latin, America', *Development Dialogue*, no. ۱۹۷, pp.۱۳۴-۱۱۴.
41. McConnell, V., Wiley, K, (2010), *Infill Development: Perspectives and Evidence from Economics and Planning*, Washington DC, RESOURCES FOR THE FUTURE.
42. Mowat, J. (2015). towards a new conceptualization of marginalization, *European Educational Research Journal*, vol. 14, 5: pp. 454-476.
43. Sharpe, M. (۲۰۰۲). Jacques lacan, *Internet Encyclopedia of Philosophy* [Online]. Available at: <<https://www.iep.utm.edu/lacweb/>>. [Retrieved November 24, 2018]
44. Van Pelt, T. (۲۰۰۰), 'Otherness' in Postmodern Culture: *Journal of Interdisciplinary Thought on Contemporary Cultures*, vol. ۱۰, no.۲. [Online]. Available at: <<http://www.pomoculture.org/۱۹/۰۹/۲۰۱۳/otherness/>>. [Retrieved September 18, 2018]
45. Zevallos, Z. (۲۰۱۱), What is Otherness?. *The Other Sociologist*. [Online]. Available at: <<https://othersociologist.com/otherness-resources/>>. [Retrieved October 14, 2018].